

سه‌شنبه ۶ شهریور ۱۳۹۷، ۱۶ ذی الحجه ۱۴۳۹، ۲۸ اگوست ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۱۷۰

#### تلنگر

#### صفر پیاله در روز

نشریه «لانت» پنجشنبه گذشته منتشر شد و در شماره جدید خود نتیجه تحقیقات تازه‌ای درباره مصرف الکل را منتشر کرد. تیتز گزارش مربوط به این تحقیقات این است: «صفر پیاله در روز» و مفصل تر توضیح می‌دهد: «حندصاب ایمن برای مصرف الکل وجود ندارد. این ابرپزشک، حاکی است که مصرف ۱۰ گرم الکل، تقریباً یک پیاله، طی ۲۴ سال اخیر، عامل اصلی مرگ و میر زودرس در انسان‌های بالاتر از ۱۵ سال است». این تحقیقات توسط بنیادی که بیل گیتس و همسرش راه‌اندازی کرده‌اند، انجام شده و نتیجه آن بسیار جالب توجه است.

#### نگاه آخر

سیدمحمدبهشتی

#### قائمیت به ذات



اکثر خلق عالم برآنند که کاری که‌اکنون مشغول آنند مهم‌ترین کار عالم نیست بلکه مهم‌ترین کار آن کاری است که قرار است روزی خود این‌ها دهند. باید اموالی از راه برسد و آنها را به سمت کاری که شایسته‌شان است سوق دهد. به همین ترتیب بیشتر مردمان جهان احساس می‌کنند مهم‌ترین جای جهان، آنجایی است که قرار است روزی به آنجا برسد؛ لاجرم عده کثیری را در حال شکایت از زمین و زمان می‌یابیم. اما آن جاها و کارهایی که آنان متقاضی‌اش هستند قبلاً توسط قبلی پدید آمده؛ دیگریانی که به جای شکایت از زمین و زمان، بلد بودند چطور زمینی که در آن مستقرند را به «زمینه» و زمانی که در آن زندگی می‌کنند را به «مانه» تبدیل کنند. «زمینه»، زمین شرف‌یافته‌است و «مانه» هم‌زمان شریف‌به‌سخن دیگر قلیلند کسانی که وجودشان به مکان و زمان شرافت می‌بخشد و شاهدی‌اند بر صحت این جمله که «شرف‌ال‌مکان بالمکین». اگر عبارتی چون «زمینه و زمانه فردوسی»، «زمینه و زمانه حافظ» و یا «زمینه و زمانه علی اکبر دهخدا» بمعنی است نه به این خاطر که آنان در زمین و زمانی ممتاز زندگی می‌کردند بلکه از آن روست که آنان خود این امتیاز را پدید آوردند.

یک سالن اجتماعات جمع و جور، دفتری کوچک، بودجه‌ای محدود و همتی بلند همه آن چیزی بود که آقای محمد خانی، معاون فرهنگی و بین‌المللی شهر کتاب، در اختیار داشت. لیکن کارش راهم‌ترین کار عالمی، بدست‌یافت‌شهر کتاب را بود که آقای محمدخانی زمام‌امورش را به‌دست گرفت و این زمین به‌صورت کوچک را به‌معنی بزرگ کرد. «زمین» در قید و بند محدودیت‌ها می‌ماند و تالار اجتماعات شهر کتاب شد. «زمینه» ای که هیچ محدودیتی بر نمی‌تابد. «زمین» در تملک اشخاص است و «زمینه» سرمایه‌اهل یک‌فرهنگ. «زمین» می‌تواند پدیری از تعداد محدودی از افراد باشد ولیکن هزاران نفر می‌توانند هم‌زمان در «زمین‌های» واحد تشریک مساعی کنند. ساکنین ایران و ایتالیا در مختصات زمینی‌شان از هم فاصله دارند و هر قدر تلاش کنیم به هم نمی‌رسند ولی این دور در «زمینه»‌هایی چون آنچه معاونت فرهنگی و بین‌المللی شهر کتاب باعث و بانی‌اش شده، باهم ملاقات می‌کنند. «زمین» عقیم است و «زمینه» زایا؛ هر زمینه هزاران زمینه دیگر در دل دارد.

به همین قیاس زمان نیز به خودی خود در حبس محدودیات مادی است. زمان تقویمی می‌آید و می‌گذرد و فقط تن را مستهلک می‌کند. زمانه، زمانی است که شان منمائی یافته. زمان در معرض فراموشی است ولیکن زمانه‌های دور تر از شماند. ترند زمان نیز عقیم است و از بدو تولد محکوم به مرگ ولیکن زمانه زایاست و هر دم از درونش زمانه‌هایی تازه می‌زاید و می‌بالد. به‌دلیل امتیازات زمانه‌بر زمان، آدمی ناخودآگاه به این خیال می‌افتد که از طریق مستمسک‌هایی، مثلاً با وضع برخی مناسبت‌های تقویمی، از زمان زمانه بسازد. اما بسیاری از این مناسبت‌ها، جوهر زمانه‌بودن ندارند و به همان اندازه که اعتبار موضع می‌شوند، معوض افتادن از اعتبارشان به‌عکس بسیارند. رویدادهایی اصل که زمان را تبدیل به‌زمانی می‌کنند مناسبت‌هایی که به‌خاطر می‌مانند و حتی معیاری می‌شوند که مابقی ایام عمر را نیز به کمک آنها به‌خاطر می‌آوریم.

اکنون معاونت فرهنگی شهر کتاب ۱۱۰۰ برنامه‌اعم از رونمایی و نقد کتاب، تجلیل از بزرگان، هم‌اندیشی و بحث‌های تطبیقی در ادبیات، تاریخ و فلسفه بر گزار کرده است؛ ۱۱۰۰ برنامه یعنی ۱۱۰۰ زمینه یا ۱۱۰۰ زمانه‌ای که از دل زمینه و زمان‌های واحد برآمدند. شگفت آنکه آنگاه‌که همه این زمینه‌ها، زمانی محدود بوده، چه‌سایر سالن‌هایی که هزار و صد برابر این سالن ظرفیت داشتند و چون زمین ماندند و زمینه نشدند، نتوانستند اثری به اندازه یک هزار و صد این رویدادها داشته باشند و چه بسیار رویدادهایی که بر گزار شدند ولی اثرشان به زمان تقویمی محدود ماند و نتوانست زمانه‌ساز شود. شاید باشد مجالس دیگری که شمارش از ۱۱۰۰ نیز گذشته باشد اما اگر مبین تکرار باشد و نه ۱۱۰۰ بار نوشدن، چه لطفی دارد؟ زمینه‌سازها و زمانه‌سازها قبیله‌ای کوچک با تأثیری اثر دامنه‌اند؛ آنان بر کار و متواضعند و «دیگران» را به رسمیت می‌شناسند و برای همین می‌توانند شریاطی صلح‌آمیز برای عرض اندام بقیه فراهم کنند. قائم به ذات هستند و برای کارهای بزرگ معطل چیزی و کسی نمی‌مانند. ثبات قدم دارند و به سادگی دستخوش افسردگی نمی‌شود. به جای شکایت از زمین و زمان، وقتی پای صحبت‌های دل‌شان می‌نشینم درباره رویاهای‌شان می‌گویند که چیزی نیست جز وسعت بخشیدن به زمینه‌ها و زمانه‌ها. آنها را معمولاً در حال شناد در جهت خلاف امواج جامعه می‌یابیم و ای‌سا از سوی دیگران متهم به ندانم کاری و حتی بلاهت شوند. اگر جایی کس یا کسانی با چنین مختصاتی دیدید بدانید سر به قیله همین قبیله دارد. به نظر بنده، آید محمدخانی بی‌غرض همین قبیله است. برای‌شان سلامتی و طول عمر آرزو می‌کنم.

#### در همین حوالی

محمد ذاکری

#### فرزندت کجاست؟



در کشورماز دهه‌های گذشته مساله اشتغال کمابیش یک چالش مهم برای بسیاری از خانواده‌ها بوده و عدم توازن بازار کار به نفع طرف عرضه، همواره باعث می‌شده پدیده‌ای به‌وجود آید که امروزه آن را «رات اشتغال» یا به‌تعبیر عام‌تر پارتی‌بازی می‌نامند. البته طی سال‌های زندگی در کشور برای همه ما این مساله به‌عنوان یک امر بسیار طبیعی جا افتاده که افرادی که به نحوی با سطوح بالاتر نظام سیاسی ارتباط سببی و نسبی و کاری و ... دارند از فرصت‌های بیشتر و بهتری برای اشتغال برخوردار باشند و ما شهروندان عادی باید با سرعت بیشتری بدویم و تلاش کنیم تا به‌حاله‌هایی که در آن مستقرند را به «زمینه» و زمانی که در آن زندگی می‌کنند را به «مانه» تبدیل کنیم. «زمینه»، زمین شرف‌یافته‌است و «مانه» هم‌زمان شریف‌به‌سخن دیگر قلیلند کسانی که وجودشان به مکان و زمان شرافت می‌بخشد و شاهدی‌اند بر صحت این جمله که «شرف‌ال‌مکان بالمکین». اگر عبارتی چون «زمینه و زمانه فردوسی»، «زمینه و زمانه حافظ» و یا «زمینه و زمانه علی اکبر دهخدا» بمعنی است نه به این خاطر که آنان در زمین و زمانی ممتاز زندگی می‌کردند بلکه از آن روست که آنان خود این امتیاز را پدید آوردند.

مسوولان می‌پرند فرزندت کجاست؟ مسوولان ماهم به‌واسطه روحیه پاسخگویی و مردم‌داری و شفاف‌سازی به این سوال پاسخ‌های دقیقی داده‌اند که جای مسرت است. برای من و بسیاری دیگر از مردم عادی و کاربران فضای مجازی دو نکته مشترک در این پاسخ‌ها جلب‌توجه می‌کند. اول آنکه قریب به اتفاق فرزندان مسوولان در دانشگاه‌های درجه یک تهران با تعداد کمی هم در شهرستان‌های بزرگ تحصیل کرده‌اند. شاید به جز یکی از نمایندگان محترم مجلس که فرزندش دانشجو دانشگاه آزاد ارومیه بود که بی‌شک این از همان پدیده «زن خوب» و هوش و استعداد ذاتی نشأت می‌گیرد و خدای نکرده کسی از فرصت‌های محدود انتقالبی به دانشگاه‌های تهران و شهرهای مادی استفاده نکرده‌است. دومین نکته‌هم که کاربران مجازی به شوخی و جدی بارها آن را مطرح کرده‌اند وضعیت اسفبار شغلی فرزندان مسوولان محترم است و عموماً با یابیکارند یا خانه‌دارند یا احتمالاً با حقوقی اندک در بخش خصوصی کار می‌کنند تا جایی که این وضعیت، فریاد و آسفای مردم را به آسمان بلند کرده و گروهی اعلام‌امادگی کرده‌اند تا برای اشتغال فرزندان مسوولان و حتی کمک به زندگی و معیشت ایشان و برداشتن باری از روی دوش مسوولان محترم آستین بالا بزنند. اما عین حال تکرار چند نکته خالی از فایده نیست. اول اینکه آقا زادگی و اشتغال صرفاً داشتن پست‌سازمانی و کد کارمندی در بخش دولتی نیست و هر بخش خصوصی هم بد نیست. بسیاری از شرکت‌های خصوصی به ویژه در حوزه خدمات برای فعالیت‌نمایز به هر گرفتن پروژه‌های عمرانی و خدماتی از دستگاه‌های مختلف دارند که ارتباطات نزدیکان آنها کمک زیادی به این امر می‌کند و طبعاً افراد عادی از آن بی‌بهره‌اند. دوم آنکه اگر فردی به‌واسطه استعداد ذاتی و شایستگی‌های انسانی در دانشگاه خوبی پذیرفته شود و بعد هم شغل مناسبی پیدا کند و در آن موفق شود جای هیچ ملامتی ندارد. مشروط بر اینکه واقعا از رات زندگی‌اش استفاده نکرده باشد. در مورد داهت در خارج از کشور هم هر کسی این حق را دارد تا برای محل و چگونگی زندگی خود تصمیم بگیرد. به شرط اینکه این حضور و اقامت هم به واسطه بر خودراری از رات خاصی نباشد و البته فریاد غریب‌ستیزی و سادز پستی آن مسوول محترم گوش فلک را کر نکند و هر اقدام و شخشن در مورد سایر کشورها برای مردم و کشور هزینه‌ی مورد ایداع نکند. به هر روی اگر چه شفافیت و خوافشایی در حد مطلوب امر مبارکی است اما مراقب باشیم به‌بهانه‌هایی برای افزایش گسست‌های اجتماعی و اتهام‌زنی بی‌پایه منتهی نشود.

#### نشست روز

#### ناخودآگاه و جنسیت

جواد گنجی از امروز و در ساعت ۱۷:۳۰ دوره جدید در سگفتارهای خود در موسسه پرش را آغاز می‌کند. عنوان در سگفتار تازه گنجی «جلوه‌های امر منفی در روانکاوی فرویدی و لاکان: ناخودآگاه و جنسیت» است. بر اساس گزارش روابط عمومی موسسه پرش، سرفصل مباحث جلسات این در سگفتار به این شرح است: ۱- رابطه جنسی وجود ندارد؟ ۲- منطق نفی هگلی در روانکاوی ۳- سوزه از جاد در رفته ۴- میناجی ناپیدشونده». علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در این در سگفتار می‌توانند با شماره‌های روابط عمومی موسسه پرش تماس بگیرند.

#### تیتز مصور | مرگ سناتور آمریکایی حامی داعش

آنتونیو رودریگز



#### ایرانشهر

## زاگرس را باید روی چشم بگذاریم

وقتی می‌گوییم جنگل، عموم مردم و حتی مسوولان فقط یاد جنگل‌های شمال می‌افتند اما این لکه ۱،۸ میلیون هکتاری که بیش از ۳۵ درصدش مخروطیه و مابقی‌اش نیز تا سرحد ناپودی، تحت بهر برداری شرک‌ها، بنیادها و بانک‌ها بوده همه، به تنفسی

این سرزمین خشک نیست؛ حدود ۵ میلیون هکتار از مساحت ۱۱ میلیون هکتاری جنگل‌های ایران (بر اساس آمار فاو در سال ۲۰۱۱) را رویشگاه‌های جنگلی زاگرس تشکیل می‌دهند که اتفاقاً ۴۰ درصد آب شیرین ایران از همین جاتمین می‌شود و

۱۷ کارکرد مهم اکولوژیک و اقتصادی و اجتماعی و امنیتی دیگر هم دارد که تا مین آب و تلطیف‌ هوا و اقلیم و امنیت غذایی تنها بخش کوچکی از کار کرده‌ای آن است. دکتر بهلول علیچانی پدر علم اقلیم‌شناسی ایران نیز در توضیح کاهش بارش در ایران جنگل‌های زاگرس در مسیر حرکت توده‌های مدیترانه‌ای است که خیلی مهم است ولی امروز بخش‌های زیادی از این جنگل‌ها تخریب و نابود شده و نتیجه این امر افزایش دمای منطقه‌ای و کاهش بارش در سال‌های اخیر و زمستان ۹۶ بود به‌طوری‌که این راه‌بردار بیرون از ایران بارش دارند امابه زاگرس که می‌رسند بارش‌شان کم می‌شود.

ما شگفتا که با وجود این هشدارها، زاگرس هر سال بیش از گذشته تحت فشار سدسازی، راهسازی، توسعه کشاورزی و شهرک‌سازی و ... قرار می‌گیرد. حاصل این بورش بی‌سابقه به

زیست‌بوم زاگرس باره و آتش و تراکتور و ماشین آلات سنگین و ... حالا شده یک و نیم میلیون جنگل کاملاً خشکیده که به دلیل فشار توسعه پایدار، توان اکولوژیک خود را در مقابله با سوسک چوبخوار از دست داده به‌طوری‌که در کمتر از ۶ سال این حجم عظیم از جنگل به‌طور کامل خشک شد.

آنچه امروز از زاگرس باقی مانده شاید از نظر دولتی‌ها قابلیت تبدیل به‌الوار در مقیاس تجاری را نداشته باشد که بخواند برای حفاظتش پول خرج کنند اما بقایای ایران و ایرانی در گرو بقای زاگرس است و فعالان انجمن سبز چپا و دیگر گروه‌های محیط زیستی مناطق کردنشین کشورمان نیز با دارک همین نکته ها سالت‌باغیری مثال‌زدنی برای حفظ حیات جنگل آستین همت بالا زده تا جایی که جان‌ومال‌شان را هم برای حفظ جنگل فدا کرده‌اند. حاصل این رشادت‌ها تاکنون منجر به شهادت ۷ فعال محیط‌زیست در آتش و دست‌کم ۳۰ مجروح شده که بین ۱۰ تا ۷۰ درصد دچار سوختگی شدند. ۱۱ سال پیش سه‌فعال محیط زیست در آتش‌سوزی جنگل در پناه جان باختند که



**Info@etemadnewspaper.ir**  
**www.etemadnewspaper.ir**  
**آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید**

**صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** **الیاس حضرتی**  
**جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** **بهروز بهزادی**  
**سرمدیر:** **سیدعلی میرفتاح**  
**معاون اجرایی:** **حجت طهماسبی**  
**مشاور مدیرمسئول:** **محمد حضرتی**  
**رئیس سازمان آگهی‌ها:** **علی حضرتی**  
**نشان:** **خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو**  
**تلفن‌خانه:** **۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴** **نمابر:** **۶۶۱۲۴۰۲۱**  
**توزیع:** **نشر گستر امروز** **تلفن:** **۶۹۱۳۳۰۰۰**  
**چاپ:** **نشر روزتاب** **تلفن:** **۴۴۵۴۵۰۷۶**

■ **اذان ظهر:** ۱۲/۰۶ ■ **غروب آفتاب:** ۱۹/۲۸ ■ **اذان مغرب:** ۱۹/۵۶ ■ **اذان صبح فردا:** ۵۱/۰۶ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۳۴

#### به اضافه سیاست

سعیدشرعیتی

#### وجوهی از عدالت علوی



روزهای منتهی به عیدسعید غدیر همه جاسخن از ولایت علوی است و در پرتو آن ذکر مناقب و سیره امام علی بن ابی‌طالب است. برای ما شیعیان آن امام همام، بارقه

عدالت که اس‌واساس حکومتداری است و سامان و دوام جامعه بشری بر آن است در سیمای حکومت علوی درخشان‌ترین وجه‌است.

بسیار شنیده‌ایم که امام‌علی علیه‌السلام با آنچه‌امروز ما «رات» و ویژه‌خواری می‌نامیم به‌عنوان نخستین محور برپایی عدالت در جامعه مقابله کرد. امام در نخستین اعلان و اقدام خود، به‌ر خودراران از مناسب و مناسبات ویژه‌اعلان کرد که به سبب قربایت باهیچ خاندانی حتی اگر صحابی رسول خدا باشید هیچ امتیاز ویژه‌ای در حکمرانی البته به‌ر خودراری خاص از بیت‌ال‌مال نخواهید داشت. سرآغاز زوایه پیداکردن سیاسی برخی صحابه رسول مکرم اسلام را علی (ع) از همین رویکرد ضد «فساد» امیرالمومنین بود. در این خصوص حکایات و روایت‌هایی در سرسختی علی (ع) در محافظت از امور و اموال عمومی در رانت‌جویی هافرأوان است. از داستان عقیل برادرش تا حکایت گردنبد عرابه یا کثوم دخترش تا ده‌ها حکایت و روایت از مقابله با طلبکاری‌های صاحبان نام و سابقه برای مدخله در امور اداره جامعه. مبارزه عدالتخواهانه امام علی‌هم ویژه‌خواهی‌های سیاسی را شامل می‌شد و هم رانت‌خواری‌های اقتصادی را. جهت‌گیری دیگر امیرالمومنان در برپایی عدالت تر از علوی، مبارزه با فساداداری و مراقبت از منحرف نشدن کارگزاران این حکومت در اقصی نقاط قلمرو مسلمین بود. فرمان جلودان اثر امیرالمومنین به مالک اشتر نخعی مشحون از سرسشق‌ها و الگوهای مبارزه با فساداداری و راهبردهای سلامت حکام جامعه است. به‌علاوه دانستنی‌های نظیر ماجرای عثمان بن حنیف، قدامه بن عجلان، ابن هر مه اهوازی، زیاد ابن ابیه، شریح ابن حارث، عبدالله ابن عباس و اشعث ابن عیث یادشیده‌نده است که جنگلی از کارگزاران و عمال حکومتی بودند و به کم

وزیاد در وادی انحراف با فسادسیاسی، اداری، قضایی در غلغلتیدن و مورد عتاب و مجازات علی (ع) قرار گرفتند. اما در این یادداشت مایلم به یکی از جهت‌گیری‌های مهم امیرالمومنین در برپایی نظام عدالت‌پرور و منضبط و باحساب و کتاب آن بزرگ‌مرد تاریخ اشاره کنم. باز در توجه و عنایت راهبردی

امیرالمومنین به فقرا و مستمندان و ایتم و به قول امروزی‌ها دهک‌های پایین جامعه حکایات و روایت فراوانی نقل است و سیره علوی بر این موضوع گواه تام است. باین وجود داستان بر خودردقاطع امام با یکی از کارگزارانش در این رابطه شنیدنی و درس‌آموز است. مصطفی‌الله هبیره شیبانی پس از نبرد صفین از سوی امیرالمومنین حاکم بخش‌هایی از ولایت اهواز شده بود. در مزارعات و هرج و مرج‌های قبیایل یادیفنشین ده‌ای از قبیله‌بنی ناحیه‌را که به‌اسارت گرفته‌شده بودند و از قضا مستمند و نادار و بی‌چیز بودند، بنا بر رسم جولانمردی با وجوهی که از بیت‌ال‌مال در اختیار داشت، آزاد کرد و به آنان انعام و بخشش کرد و به مسکن و مأ‌ور اساند. خبر این واقعه به امیرالمومنان رسید. امام‌علی علیه‌السلام بلافاصله در نامه‌ای که توسط عبدالله ابن عباس فرستاده به مصطفی‌بن هبیره نوشت: خبری از توبه من رسیده که اگر چنان رفتاری از تو سر زده باشد، رفتار ناشایستی را مرتکب شده‌ای. خبر رسیده‌است که ثروت مسلمانان را میان کسانی از یادیفنشینان قبیله‌بکرین وائل که از تو در خواست احسان و نیکی کرده‌اند، تقسیم کرده‌ای.

پس سوگند به آنکه دانه را اشکافت و اسنان‌ها را بیافردی و داشش او نسبت به هر چیزی، را فرگیر است، اگر این سخن درست باشد، اراج خود را نزد من سبک بایی. پس حقوق پروردگارت را نسبت شمار و دنیایت را با خرابی دین و از میان بردنش اصلاح مکن که از این گروه باشی، «الآخرین افعمال‌الدین ضل سفینهم فی الحیوة الدنیا و هم یخسبون اَثمهم یخسبون سفینهم»؛ زیانکارترین مردم، کسانی‌اند که کوشش آنها در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند. امام علی علیه‌السلام در نامه‌اش به مصطفی: پس از حمد و سپاس خداوند؛ از بزرگ‌ترین خیانت‌ها، خیانت به امت است و بزرگ‌ترین دغلکاری است بر مرزمان یک شهر، دغلکاری پیشوای آنان است. نزد تو از مال مسلمانان، بانصد هزار اسکه است. آن را هنگامی که فرستاده من نزد تو می‌آید، برابریم بفرت؛ و گر نه، وقتی نامه‌ام به تو رسید، نزد من بیا؛ چرا که به فرستاده‌ام گفته‌ام که پس از وارد شدن بر تو، رهایت نکند، مگر آن که اموال را بفرتی، و السلام علیک.

از این روایت رویکرد انضباط مالی امیرالمومنین در هزنه‌پرد بیت‌ال‌مال حتی با هدف رسیدگی به فقرا و مستمندان و یادیفنشینان نمایان است. این حکایت درس آموز به بر نامه‌برزان و سیاستگذاران می‌آورد که عدالت لزوماً بخشش و کرامت و توجه خاص به دهک‌های پایین جامعه نیست. اگر انضباط مالی و تصرف با حساب و کتاب و برنامه در بیت‌ال‌مال باشد بنیان محکم‌تری است که به‌طور تبعی فایده‌اش به همه اقشار جامعه از جمله فقرا و مستمندان و آسیب‌پذیران جامعه خواهد رسید.

#### متن در حاشیه

کاوه فولادی‌نسب

#### همه چیز را خراب کرده‌ایم، این هم روش؟



آن فیلم را که وزیر آموزش و پرورش در کنار پسرپچه‌های مدرسه‌ای نشسته و با آنها گپ می‌زند، حتماً دیده‌اید. اگر هم ندیده‌اید، ماجرایش -خیلی خلاصه- این است که آقای وزیر به بچه‌ها می‌گوید: «حاضرین با من فوت‌بال بازی کنین؟» یکی از بچه‌های می‌گوید: «آره» آقای وزیر می‌گوید: «آه ب‌باختین چی؟» همان محصل جواب می‌دهد: «ها که همه‌چی مون رو باختیم، اینم روش» چنین پاسخی از زبان پسرپچه‌ای که در این سن و سال باید کودکی‌کند و نشاط و امید داشته باشد، یک رنگ خطر است. حتی اگر آن را فقط یک بلبل‌زبانی تلقی کنیم، باز هم چیزی از خطرناکی‌اش کم نمی‌شود. مساله این است که اصلاً چرا باید چنین جوابی به مخیله یک کودک یا نوجوان خطور کند. او مگر چقدر زندگی کرده، چقدر تجربه کرده، چقدر جهان را دیده و شناخته که بخواد چنین حرفی بزند که آکنده از ناامیدی و احساس رسیدن به آخر خط است؟ همین جواب را می‌شود، پیوند زد به آمار تکان دهنده خودکشی متولدان دهه هشتاد. قلب آدم می‌لرزد، ما داریم با نسل جدید چه می‌کنیم؟ چه بلایی داریم سرش می‌آوریم؟ مگر وظیفه والدین فقط سیر کردن شکم بچه و مدرسه فرستادن اوست؟ مگر وظیفه مدرسه فقط یاد دادن الفباست. تربیت چه می‌شود؟ پرورش چه می‌شود؟ گیریم هم شرایط بد باشد؛ اصلاً بگو بدترین: فساد، هر چی ... بچه‌ها چه گناهی دارند؟ چرا باید آنها را از این سن و سال، از نظر روانی و عاطفی، گرفتار اندیشیدن به عوارضی کثیم که کوچک‌ترین نقشی در شکل‌گیری‌شان نداشته‌اند و میراث ما و پیشینیان مان برای آنهاست؟ مادر و پدر و معلم و جامعه‌ای که نامیدی و یاس خودش را به کودک یا نوجوانی منتقل می‌کند، دارد بزرگ‌ترین خیانت را به انسان و جامعه می‌کند. دیگر بحث کشور و حکومت و نارضایتی مدنی و اینها نیست؛ این خیانت به بشریت است. حالا شاید کسی در جواب همین حرف‌های من هم بگوید «ها که همه‌چی مون رو باختیم؛ اینم روش» اما این حرف خطرناکی است. ما حتی اگر همه چیزمان را هم باخته باشیم -از سیاست و اقتصاد گرفته تا تاریخ و امید (که واقعا این‌طوری‌ها هم نیست؛ حال‌روزمان این قدرها هم بد نیست و برای در کش کافی است نگاهی به همین کشورهای دوروبرمان ببیندازیم)- حق نداریم این نگاه را به‌نسلی حفته کنیم که «زندگی» را پیش‌رو دارد.



در همین حادثه ۱۸ نفر دچار سوختگی شدند و صلاح‌الدین میرانی، جوان ۲۸ساله پالوای با ۲۰درصد سوختگی یکی از بازمانده‌های آن فاجعه غمبار است و در تازه‌ترین تراژدی، این بار گروهی دیگر از شریف‌ترین فعالان نام‌آشنای محیط زیست ایران قربانی آتش شدند. آتشی که به دلایل گوناگون به جان جنگل‌های ایران افتاده، عمدی و سهوی، کاش به یاد بایریم که اینجا زاگرس است؛ زاگرس که پژوهشکده اقلیم‌شناسی کشورمان همین دو ماه قبل هشتاد داد تا سال ۲۰۵۰ نابود می‌شود. اگر تغییر اقلیم تشدید شود که در این صورت موج جدیدی از مهاجرت‌ها و پناهنده‌گی محیط‌زیست از غرب ایران آغاز می‌شود. پس باور کنید که بلوط‌ها به همان اندازه اهمیت دارند که حفاظان آنها؛ زاگرس را باید روی چشم‌مان بگذاریم و حفظ کنیم نه اینکه هر بار به‌بهانه‌ای از روی چهل و نادانی و تنگ نظری و حرص و از گوشه‌ای از آن رابه آتش بکشیم و جانفشانی حفاظتشان را برای یاداری اکولوژیک سرزمین کم‌اهمیت و بی‌چ جلوه دهیم، شهدای چپا سوختند تا زاگرس و ایران ن‌سوزد.

#### عکس‌نویشت



دیروز سالروز تولد جهان پهلوان تختی بود و اهالی کشتی تصمیم گرفتند با سرزدن به آسایشگاه جانبازان دفاع مقدس یاد از این پهلوان ایرانی کنند. خبرگزاری ایرنا در مجموعه عکس تصویری گزارش این دیدار را پوشش داده و نوشته است: «هم‌زمان با روز پنجم شهریور ماه، زادروز جهان پهلوان «تختی» و روز کشتی، روز دوشنبه جمعی از اهالی کشتی کشورمان در آسایشگاه جانبازان اعصاب و روان «پیاش» حضور یافتند.»